



او خانواده قرآنی را این طور تعریف می کند: «تعریف من از خانواده قرآنی این است که قرآن در بطن زندگی اعضای یک خانواده وجود داشته باشد و به توصیه های آن مانند: دروغ نگفتن، غیبت نکردن، مسخره نکردن و... عمل بشود. اگر قرآن در بطن زندگی افراد خانواده وجود داشته باشد و با کلام الهی مأنوس باشیم؛ علاوه بر رشد خانواده، جامعه نیز رشد چشمگیری خواهد داشت.»

وی همچنین درباره لحظات خوش تلاوت قرآن در جوار بارگاه ملکوتی امام رضا (ع) می گوید: در حدیث ثقلین، پیامبر بزرگوار می فرماید: إِنْ تَارَكَ فَيْكُمُ امْرَأَتَيْنِ إِذَا أَخَذْتُمَاهُمَا لَنْ تَضِلُّوا: کتاب الله عز و جل و أهل بیته عترتی، یعنی من در میان شما دو چیز باقی می گذارم که اگر آن ها را دستاویز قرار دهید، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و عترتم که اهل بیتم هستند. حالا شما فرض کنید که در مکانی هستند که هم حضور علی بن موسی الرضا (ع) داشته باشیم و هم در آن جا قرآن تلاوت و تدریس بشود. این ها کنار هم خیلی تأثیر گذار است و انسان را به سمت سعادت حقیقی سوق می دهد. من از قاریانی که همسایه امام رضا (ع) هستند، می خواهم تا جایی که می توانند، مردم را به سمت قرآن سوق دهند.

به نظر من قرآن در جامعه مهجور است. طبق آیه ۳۰ سوره فرقان که می خوانیم «وقال الرسول یارب ان قومى اتخذوا هذا القرآن مهجورا» یعنی پیامبر روز قیامت به خداوند متعال شکایت می کند که این امتی که به من دادی، قرآن را مورد مهجوریت قرار دارند. مهجوریت یعنی همین که قرآن بالای طاقچه خانه ها خاک می خورد یا اگر کسی فوت کند؛ چند خطی قرآن بالای سرش می خوانیم و به صورت نمادین، در عروسی ها دستان می گیریم. امروزه باید کودکان و دانش آموزان را به سمت قرآن خواندن سوق بدهیم. اینکه در حال حاضر تلاوت قرآن در جامعه افت کرده و خیلی ها از خواندن قرآن ترس دارند، نقص بزرگی است. اگر قشر جوان قرآن بخواند با قرآن انس می گیرد و قطعاً جامعه ما تغییر خواهد کرد. اگر ما به آثار خواندن قرآن توجه و قرآن را مانند دوستی در زندگی انتخاب کنیم، آیاتش را بخوانیم و در معانی آسمانی اش تفکر کنیم، پس از مدتی زندگی مان سرشار از نور، روشنایی، طراوت و زیبایی خواهد شد.

مادر نیایشی پیش از تلاوت قرآن از خدایم خواهیم: «خدایا! رغبت مرا به قرآن افزون گردان و آن را مایه روشنایی دیده و درمان بیماری های دل و از بین رفتن غم و اندوه من قرار ده. خدایا! زانم را به خواندن قرآن بیار و چهره ام را با آن زیبا، بدنم را با آن قدرتمند و ترازوی اعمالم را سنگین کن.»

و در نیایشی که هنگام ختم قرآن می خوانیم، به خداوند می گوئیم: «خدایا! قرآن را در دنیا همراه ما، در گورانیس ما، در قیامت شفاعت کننده ما، برپای صراط مایه روشنایی، در بهشت هم نشین، در برابر آتش دوزخ پوشش و برای اجرای کارهای نیک، راهنمای ما قرار ده.»

به قرآن بسیار مؤثرند؛ زیرا اگر خودشان اهل قرآن باشند و در منزل قرآن بخوانند، فرزندان به سمت تلاوت قرآن جذب می شوند. پدر و مادری که خواندن قرآن جزو برنامه زندگی شان باشد، فرزندان شان هم به فراگیری و خواندن قرآن علاقه مندی شوند. خیلی احساس مسرت و شادمانی دارد که بتوانیم از سنین پایین، فرزندانمان را به سمت قرآن سوق دهیم تا ان شاء الله در آینده فرزندانمان بتوانند از توصیه های قرآن استفاده کنند و مصداق حدیث امام صادق (ع) باشند که می فرماید: حافظ قرآن که عامل به آن است، همنشین فرشتگان پیام آور نیک رفتار است. در روایات هست که روز قیامت «يُقَالُ لَهُ (لِصَاحِبِ الْقُرْآنِ) اقْرَأْ وَاقْرَأْ»؛ به قاری قرآن و صاحب قرآن گفته می شود بخوان و بالا برو! تعداد در جات بهشت به تعداد آیه های قرآن است و اگر بتوانیم فرزندانمان را از سنین کودکی به سمت قرآن سوق دهیم؛ قرآن در بطن زندگی شان قرار می گیرد و قطعاً هدایتگر آنان خواهد بود. طبق آیه ۹ سوره اسرا که می گوید: «ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوام» همانا قرآن انسان را به سمت راهی که پایدار تر است هدایت می کند. چقدر خوب است که فرزندانمان از کودکی در این مسیر قرار بگیرند.»

قرآن در بطن يك خانواده قرآنی است

تاکنون به این موضوع دقت کرده اید که چقدر فرزندان دوست دارند آینه رفتار والدین خود باشند؟ برای مثال اگر دست پدر و مادرشان تلفن همراه ببینند، دلشان می خواهد آن ها هم تلفن همراه داشته باشند و با آن بازی کنند یا اگر دست پدر و مادرشان کتاب ببینند،

آن ها هم از گوشه خانه کتابی پیدای کنند و خودشان را در حال کتاب خواندن نشان می دهند! مسلم است که اگر فرزندان والدین خود را در حال تلاوت قرآن ببینند؛ شیرینی کلام الهی در جان شان می نشیند و دلشان می خواهد که مانند پدر و مادر خود قرآن بخوانند. این که فرزند فقط متولد بشود و به نیازهای زیستی او توجه بشود، قطعاً شرط لازم است ولی کافی نیست؛ یعنی ما باید بدانیم که اگر فرزندمان را تغذیه می کنیم، غذایی به او می دهیم، لباسی به او می پوشانیم، اگر سقفی بالای سر او قرار می دهیم، این مقدمه ای است برای این که او را برای رشد و سعادت آماده کنیم. قرآن همان راهنمای مطمئنی است که برای رشد انسان در تمامی ابعاد خلقتش برنامه دارد و بهترین نقشه راهی است که والدین می توانند به فرزندان خود آموزش دهند و آن ها را وارد جامعه کنند و خیالشان آسوده باشد که در میان مسیرهای پیچیده و گاه لغزش های اجتماعی، فرزندان شان با انس به قرآن می توانند همیشه مسیر درست را پیدا کنند.

سید علی مؤمنان درباره تجربه شیرین حضور سه قلوها پیش در مهدالرضای می گوید: «ویژگی خاص مهدالرضای این است که هم کارهای قرآنی انجام می دهد و هم بچه ها را با زبانی کودکانه با اهل بیت آشنای کند. یادم هست که سه قلوها شعری به نام «من بچه شیعه هستم» یاد گرفته بودند که تمام ائمه را در این شعر یاد می گرفتند. از طرفی فضای مهدالرضا خسته کننده نبود و بچه ها با اشتیاق به آن جامی رفتند و تلاوت قرآن را یاد گرفتند و با ائمه اطهار آشنا شدند.»

اگر قرآن در بطن زندگی افراد خانواده وجود داشته باشد و با کلام الهی مأنوس باشیم؛ علاوه بر رشد خانواده، جامعه نیز رشد چشمگیری خواهد داشت

